**بررسی تأثیر عوامل موثر بر تمکین مودیان مالیاتی در اداره امور مالیاتی بر رفاه اجتماعی شهر بجنورد**

**مقدمه**

تأمین رشد اقتصادی، اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد، ایجاد امنیت اقتصادی، تخصیص بهینه منابع و مواردی از این قبیل از وظایفی هستند که دولت‌ها بر عهده دارند. واضح است هر حکومتی برای اجرای سیاست‌های خود نیاز به بودجه و درآمد دارد. یکی از راه های کسب درآمد دولت، مالیات است که می‌تواند علاوه بر تأمین مالی دولت، توزیع درآمد را عادلانه و تخصیص منابع را بهینه کند. مالیات‌ها به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد غیرنفتی دولت و سیاست‌های مالی، و به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای پیگیری جهت رسیدن به اهداف اقتصادی دولت بوده و تأثیرات مهم آن در توزیع مناسب درآمدها، مهار تورم، تسریع در رشد اقتصادی و جهت دادن به سرمایه گذاری‌ها قابل بررسی است [16].

اداره کل امور مالیاتی به عنوان مدیر سیستم مالیات‌بندی در کشور همواره در تلاش است تا با اصلاح پیاده‌سازی و اجرای کمی مدرن‌تر سیستم مالیاتی، درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد [7].

مطلوب‌ترین رویکرد برای وصول کارآمد مالیات رویکرد خوداظهاری و تمکین داوطلبانه است. نظام مالیاتی به نحوی به فعالیت‌های اقتصادی گره خورده است که در یک نظام اقتصادی سالم تقریباً تمام هزینه‌های عمومی دولت توسط فعالیت‌های اقتصادی و فعالان اقتصادی آن کشور از محل درآمدهای مالیاتی تأمین می‌گردد [1].

تمکین مالیاتی همچنین، پایبندی داوطلبانه به متن و روح قانون مالیاتی یا به عبارتی به مفهوم پایبندی مودیان به تکالیف مالیاتی و رعایت قوانین مالیاتی از سوی آن‌ها می‌باشد. تمکین کامل مالیاتی از جمله اهدافی است که همه سیستم‌های مالیاتی جهان در آرزوی دستیابی به آن‌ هستند و بعضاً تا حد بسیار خوبی به آن دست یافته‌اند. در نظام مالیاتی ایران همانگونه که مطرح شد تمکین مالیاتی از سطح پایینی برخوردار است که نمونه آن هم حجم بسیار بالای مالیات‌های معوقه سال‌های گذشته و حجم زیاد پرونده‌ها در هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی است. در این شرایط وظیفه سازمان امور مالیاتی این است که عوامل انگیزشی و تشویق کننده نظام تمکین مالیاتی داوطلبانه را کشف و تقویت کند. در واقع می‌توان گفت که درجه تمکین مالیاتی در هر کشوری معیار سنج کارایی سیستم مالیاتی آن کشور است [9].

تمکین مالیاتی در تعریفی دیگر، مفهومی تئوریک و چندجانبه است که می‌تواند در سه بخش تمکین در پرداخت، تمکین در پرونده و تمکین در گزارش‌دهی بررسی شود [23]. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)[[1]](#footnote-1) در تعریف تمکین مالیاتی آن را به بخش تمکین اجرایی و تمکین تکنیکی و فنی تقسیم می‌کند. تمکین اجرایی به قوانین اجرایی کشور موردنظر و تمکین فنی در گزارش‌دهی، تمکین در فرآیندهای موردنظر قانون و تمکین از مقررات تکنیکی لازم در محاسبات مالیات یا پرداخت آن باز می‌گردد (OECD، 2001).

ارتقای تمکین مالیاتی از جمله راهبردهایی است که به تعامل بیشتر مودیان با سازمان امور مالیاتی، تسریع در وصول مالیات‌ها، کاهش هزینه‌های وصول و افزایش درآمدهای مالیاتی منجر می‌شود، بدین منظور می‌بایست عوامل موثر بر ارتقا و بهبود تمکین مالیاتی مودیان شناسایی شود [18]. عواملی چون سواد و دانش مالیاتی [24]، عدالت مالیاتی (برهانه و همکاران[[2]](#footnote-2)، 2011) از عوامل موثر بر تمکین مالیات می‌باشند. در تحقیق تاجیک (1392) عوامل موثر بر تمکین مالیاتی به دو گروه اصلی عوامل درون و برون سازمانی تقسیم شده‌اند. عوامل درون سازمانی شامل عوامل مدیریتی، عوامل انسانی، کیفیت خدمات و فرآیندهای اجرایی بوده و عوامل برون سازمانی شامل عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل قانونی هستند [2]. عوامل موثر بر تمکین مالیاتی در تحقیق خطیری علیائی شامل عوامل مدیریتی، عوامل انسانی، پیچیدگی و رسمیت، درآمد، عوامل اقتصادی و تمرکز، نوع حرفه مودیان می‌باشد [3]. در پژوهش استوری و همکاران (1389) عوامل موثر بر تمکین مالیاتی به سه دسته آگاهی مودیان از قوانین و مقررات مالیاتی و تکالیف مربوط؛ اعمال جرائم مالیاتی؛ مصرف صحیح درآمدهای مالیاتی و اعلام آن برای مودیان تقسیم شده است [5]. فیشر و همکاران[[3]](#footnote-3) (1992) عوامل چهارده‌گانه موثر بر تمکین مالیاتی را به چهار گروه متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت و تحصیلات)، فرصت‌های عدم تمکین (میزان درآمد، منبع درآمد و نوع حرفه)، نگرش‌ها و ادراکات (عدالت سیستم مالیاتی و تأثیر محیط)، ساختار/ سیستم مالیاتی (پیچیدگی سیستم مالیاتی، احتمال کشف عدم تمکین و جرائم و نرخ‌های مالیاتی) تقسیم کرده‌اند [25].

تحقق درآمد مالیاتی دولت در نتیجه تمکین مالیاتی شرکتی در تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه موجب رونق اقتصادی و اجتماعی شده و علاوه بر سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های اقتصادی، افزایش خدمات و رفاه اجتماعی و به طور کلی بهبود وضعیت جامعه منجر خواهد شد [21]. یکی از پیامدهای عدم تمکین مالیاتی، پدیده فرار مالیاتی است که می‌تواند تهدیدی جدی برای فرهنگ مالیاتی و به تبع آن تداوم زندگی اجتماعی و تحقق رفاه اجتماعی باشد [13]. مالیات‌ها به دو دسته مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. مالیات مستقیم که مالیات بر درآمدها، سود یا مالیات بر ثروت و امثال آن می‌باشد نوعی از مالیات است که به طور مستقیم از درآمد یا دارایی افراد حقیقی و حقوقی اخذ می‌شود، مالیات در جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی اعم از توزیعی، مالی حتی هدایت اقتصادی در مسیر اهداف کلان اقتصادی مثل تثبیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی ابزار کارآمدی به شمار می‌آید [20]. از این رو، افزایش کارایی نظام مالیاتی و افزایش شفافیت اقتصادی در تحقق درآمدهای مالیاتی عامل مهمی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه اجتماعی می‌باشد [6].

شاخص رفاه اجتماعی و ارتقای سطح کیفیت زندگی در جامعه به عنوان یکی از هدف‌های مهم سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای توسعه یافته است. کشورهای در حال توسعه نیز افزایش رفاه اجتماعی را به عنوان یکی از اهداف اصلی و از معیارهای توسعه یافتگی در نظر می‌گیرند [4]. رفاه اجتماعی مفهومی ایده‌آل است که با توانمندسازی، تشویق به مشارکت و دخالت در امور مربوط به خود، زمینه مناسبی را برای توسعه همه جانبه انسان برای دستیابی به زندگی شایسته‌ای فراهم می آورد. این مفهوم در واقع زیرساخت اساسی توسعه همگن و برابر در جامعه است که با برابرسازی فرصت‌ها و دسترسی‌ها برای حداکثر استفاده بهینه از منابع و امکانات و بسیج نیروها اقدام می‌کند [11]. تأمین رفاه اجتماعی از مهمترین اهداف هر نظام اقتصادی است و فراهم آوردن شرایط مناسب برای زندگی تمامی اقشار جامعه وظیفه اصلی کارگزاران و مسئولان اقتصادی کشور تلقی می‌شود. تغییر در رفاه اجتماعی از زمینه‌های ارزیابی نظام‌های اقتصادی به شمار می‌آید [10]، زیرا رفاه بر شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیری عمده دارد و در رشد و پیشرفت جامعه موثر است. بنابراین می‌توان گفت که هدف جهانی بسیاری از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، بهبود رفاه اجتماعی است [12].

در زمینه تأثیر تمکین مالیاتی بر رفاه اجتماعی مردم تاکنون تحقیقی انجام نشده است و بیشتر تحقیقات انجام شده به بررسی عوامل موثر بر تمکین مالیاتی پرداخته‌اند. صالحی (1396) تأثیر عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی از دیدگاه مودیان حقوقی شهرستان کاشان را مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی تأثیر دارد. همچنین فرهنگ عدالت مالیاتی، تخصص و کارایی مأموران، مشارکت دادن مودیان و توجیه آن‌ها از نحوه محاسبه مالیات، تشویقات و مجازات مالیاتی در جهت بهبود اجرای عدالت مالیاتی و اعتماد متقابل بر تمکین مالیاتی از دیدگاه مودیان مالیاتی شهرستان کاشان تأثیر دارد [7]. صامتی و همکاران (1394) تأثیر نرخ‌های بهینه مالیات غیرمستقیم بر رفاه اجتماعی در ایران را بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که در نرخ‌گریزی از نابرابری اجتماعی صفر که فقط هدف کارآیی مالیات‌های غیرمستقیم است، نرخ‌های بهینه مالیات تقریباً به یکدیگر نزدیک هستند و با افزایش این نرخ که جنبه عدالت اجتماعی، بیشتر از جنبه کارآیی مورد توجه قرار می‌گیرد، نرخ‌های بهینه مالیات از یکدیگر فاصله می‌گیرند و حتی بعضی از گروه کالاها مستحق دریافت یارانه می‌شوند. همچنین هر چه نرخ‌گریزی از نابرابری اجتماعی افزایش یابد، هزینه نهایی رفاه اجتماعی ناشی از نرخ‌های مالیات بر کالاها و خدمات کاهش می‌یابد و در بالاترین مقدار نرخ گریز از نابرابری اجتماعی، کاهش رفاه بسیار کم می‌شود [8]. مجتهد و احمدیان (1386) اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران را بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها با توجه به آزمون مدل کلان‌سنجی استفاده شده برای سه نظام مالیاتی (مالیات بر حقوق و دستمزد، مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف) و با توجه به شوک بدهی دولت به سیستم بانکی حاکی از آن است که ‌نظام مالیات بر مصرف ثبات بیشتری در متغیرهای هدف شاخص قیمت‌ها، شاخص دستمزدها، رفاه خانوار و واردات ایجاد می‌کند [14]. سائز و استیفانی[[4]](#footnote-4) (2013) در مطالعه‌ای، یک تئوری عمومی از مالیات‌ستانی بهینه با استفاده از رویکرد اصلاح مالیاتی و هزینه نهایی رفاه اجتماعی را بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که یک نظام مالیاتی وقتی مطلوب و بهینه است که یک اصلاح اندک مالیاتی نتواند مقدار سود و زیان فردی (متری- پولی) را تغییر دهد [28].

لذا با توجه به مباحث بررسی شده در زمینه عوامل موثر بر تمکین مالیاتی در اداره مالیات شهر بجنورد و همچنین تأثیر آن‌ها در وضعیت رفاه اجتماعی مردم امری ضروری به نظر می‌رسد که در پژوهش حاضر به بررسی آن پرداخته شده است و بر اساس عوامل موثر بر تمکین مالیاتی در تحقیقات مختلف، در پژوهش حاضر عوامل موثر بر تمکین مالیاتی در شش بعد عوامل مدیریتی، عوامل انسانی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل قانونی و عوامل اخلاقی طبقه‌بندی شده‌اند.

**روش پژوهش**

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت پژوهشی توصیفی- پیمایشی است که به بررسی تأثیر عوامل موثر بر تمکین مودیان مالیاتی در اداره امور مالیاتی بر رفاه اجتماعی شهر بجنورد پرداخته است. جامعه آماری تحقیق کلیه مودیان مالیاتی در سطح شهر بجنورد اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که تعداد آن‌ها نامشخص بوده و بر اساس نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند تعداد 80 نفر به صورت تصادفی به عنوان نمونه آماری از میان اتحادیه صحافی‌ها، تاپپ و تکثیرها و لوازم تحریر و نوشت افزارها انتخاب شدند. متغیر مستقل پژوهش عوامل موثر بر تمکین مالیاتی که شامل عوامل مدیریتی، عوامل انسانی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل قانونی و عوامل اخلاقی بوده و متغیر وابسته سطح رفاه اجتماعی مردم شهر بجنورد هستند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بود که بدین منظور از دو پرسشنامه تمکین مالیاتی و رفاه اجتماعی استفاده شد که بدین شرح بودند:

1- پرسشنامه عوامل موثر بر تمکین مالیاتی: این پرسشنامه محقق ساخته بوده و ابعاد آن از تحقیقات تاجیک (1392) و خطیری علیائی (1392) اقتباس شده است. پرسشنامه حاوی 25 گویه و شش مولفه است. سهم گویه‌های هر یک از ابعاد عبارتند از: عوامل مدیریتی (5 گویه)، عوامل انسانی (4 گویه)، عوامل اقتصادی (4 گویه)، عوامل فرهنگی(4 گویه)، عوامل قانونی (4 گویه) و عوامل اخلاقی (4 گویه). معیار پاسخگویی به سوالات طیف پنج امتیازی لیکرت با درجه اهمیت کاملاً مخالفم (عدد 1) تا کاملاً موافقم (عدد 5) می‌باشد. روایی پرسشنامه از طریق روایی صوری به تأیید چندین نفر از خبرگان و کارشناسان امور مالیاتی رسید. میزان پایایی این پرسشنامه و مولفه‌های آن به ترتیب عوامل مدیریتی (785/0)، عوامل انسانی (816/0)، عوامل اقتصادی (822/0)، عوامل فرهنگی (790/0)، عوامل قانونی (8/0) و عوامل اخلاقی (793/0) بدست آمد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد خیلی خوب این ابعاد دارد.

2- پرسشنامه رفاه اجتماعی: این پرسشنامه برای اولین بار در ایران توسط مدنی و رفیعی (1381) استفاده شد. فرم اصلی پرسشنامه مشتمل بر 36 سوال بود که بعداً به 28 سوال و در پژوهش حاضر بنا به ضرورت نداشتن تعدادی از سوالات به 25 سوال کاهش یافت. پرسشنامه نگرش افراد جامعه را نسبت به حوزه‌های مختلف رفاه اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. ملاک پاسخگویی به سوالات طیف پنج امتیازی با درجه اهمیت کاملاً مخالف (عدد 1) تا کاملاً موافق (عدد 5) می‌باشد. روایی پرسشنامه با روش روایی صوری بررسی و تأیید شد و پایایی پرسشنامه در تحقیق مومنی (1383) به میزان 87/0 گزارش شد که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد خوب این پرسشنامه است. در مطالعه حاضر میزان پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان 773/0 محاسبه شد که نشان از قابلیت اعتماد خیلی خوب این پرسشنامه داشت.

**یافته‌ها**

یافته‌های حاصل از تحلیل توصیفی عوامل موثر بر تمکین مالیاتی و رفاه اجتماعی در جدول شماره (1) نشان داده شده است.

**جدول 1- میانگین±انحراف استاندارد متغیرها**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| مدل | میانگین | انحراف استاندارد | کشیدگی | چولگی |
| عوامل مدیریتی | 99/20 | 455/5 | 898/0- | 330/0 |
| عوامل انسانی | 40/26 | 200/3 | 326/0- | 335/0- |
| عوامل اقتصادی | 09/17 | 171/3 | 013/0 | 214/0- |
| عوامل فرهنگی | 79/14 | 970/3 | 859/0- | 364/0 |
| عوامل قانونی | 34/13 | 572/3 | 142/0- | 268/0 |
| عوامل اخلاقی | 50/14 | 733/4 | 086/0- | 586/0- |
| رفاه اجتماعی | 76/63 | 466/8 | 188/0- | 085/0 |

یافته‌های حاصل از ضرایب چولگی و کشیدگی متغیرها نشان می‌دهد که در بازه (2 و -2) کلیه متغیرها از توزیع نرمال برخوردارند. انحراف استاندارد متغیرها نیز نشان مي‌دهد که در میان عوامل موثر بر تمکین مالیاتی، عوامل مدیریتی بیشترین میزان فاصله را از میانگین خود داشته است و عوامل اقتصادی دارای کمترین فاصله از میانگین بوده است.

یافته‌‌های حاصل از تحلیل رگرسیون فرضیه‌های تحقیق در جدول شماره (2) ارائه شده است.

**جدول 2- نتایج تحلیل رگرسیون بررسی تأثیر عوامل موثر بر تمکین مالیاتی بر رفاه اجتماعی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| مدل | R | R2 | بتا (Beta) | t | p |
| عوامل مدیریتی | 191/0 | 180/0 | 437/0 | 285/4 | 001/0 |
| عوامل انسانی | 476/0 | 470/0 | 690/0 | 426/8 | 001/0 |
| عوامل اقتصادی | 232/0 | 222/0 | 481/0 | 849/4 | 001/0 |
| عوامل فرهنگی | 301/0 | 292/0 | 549/0 | 801/5 | 001/0 |
| عوامل قانونی | 184/0 | 174/0 | 429/0 | 197/4 | 001/0 |
| عوامل اخلاقی | 197/0 | 187/0 | 444/0 | 380/4 | 001/0 |

نتایج برآمده از تحلیل رگرسیون تأثیر عوامل موثر بر تمکین مودیان مالیاتی بر رفاه اجتماعی مردم شهر بجنورد نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری کمتر از 05/0 (001/0=p) کلیه عوامل موثر بر تمکین مالیاتی بر رفاه اجتماعی مردم شهر بجنورد تأثیر معنی‌داری دارند. شدت تأثیر بر اساس ضریب استاندارد بتا تحلیل می‌شود که بر اساس آن بیشترین میزان تأثیر را عوامل انسانی بر رفاه اجتماعی به میزان (690/0=Beta) و کمترین میزان تأثیر را عوامل قانونی بر رفاه اجتماعی به میزان (429/0=Beta) داشت است. مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده (R2) نیز بیشتر از مقدار آلفای 05/0 است که در تأیید تأثیر متغیرها نقش دارد.

**بحث و نتایج**

هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر عوامل موثر بر تمکین مودیان مالیاتی بر رفاه اجتماعی مردم شهر بجنورد بود. در این راستا شش عامل مدیریتی، انسانی، اقتصادی، فرهنگی،قانونی و عوامل اخلاقی به عنوان عوامل موثر بر تمکین مودیان مالیاتی شناسایی شدند و تأثیر هر یک از آن‌ها بر رفاه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

در بررسی تأثیر عوامل مدیریتی بر رفاه اجتماعی گفته می‌شود که عوامل مدیریتی به میزان 437/0 توانسته اند بر رفاه اجتماعی تأثیر مثبتی داشته باشند. به عبارتی به ازای یک واحد تغییر در عوامل مدیریتی در سازمان، رفاه اجتماعی مردم در شهر بجنورد به میزان 437/0 ارتقا می‌یابد. انجام وظایف مدیران سازمان، عوامل ساختاری، نظارت و کنترل اداره مالیات بر روند پرداخت مالیات، ارتباطات درون سازمانی و ارتباط موثر با مودیان مالیاتی توانسته‌اند بر رفاه اجتماعی مردم در شهر بجنورد موثر باشند. میانگینو انحراف استاندارد عوامل مدیریتی به میزان (455/5±99/20) نیز نشان می‌دهد که عوامل مدیریتی در اداره امور مالیاتی دارای سطح مطلوبیت متوسطی هستند.

در بررسی تأثیر عوامل انسانی بر رفاه اجتماعی مردم شهر بجنورد این نتیجه حاصل شد که عوامل انسانی به میزان 690/0 بر رفاه اجتماعی مردم شهر بجنورد تأثیر دارند، به بیانی دیگر یک واحد تغییر در عوامل انسانی (نگرش مودیان مالیاتی، ادراک آن‌ها از پرداخت مالیات، سواد و دانش مودیان و تصمیم‌گیری در پرداخت مالیات تعیین شده از سوی مودیان مالیاتی)، باعث بهبود رفاه اجتماعی به میزان 690/0 خواهد شد. همچنین میزان میانگین و انحراف استاندارد (200/3±40/26) نشان می‌دهد که عوامل انسانی در اداره امور مالیاتی شهر بجنورد از مطلوبیت خوبی برخوردار بوده‌ است.

در بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر رفاه اجتماعی گفته مي‌‌شود عوامل اقتصادی به میزان 481/0 بر رفاه اجتماعی موثر هستند و یک واحد تغییر در عوامل اقتصادی باعث بهبود رفاه اجتماعی به میزان 481/0 خواهد شد. مقدار میانگین و انحراف استاندارد (171/3±09/17) نشان از مطلوبیت نسبتاً خوب عوامل اقتصادی داشت. عوامل اقتصادی از طریق عواملی چون نوع شغل و کسب و کار مودیان مالیاتی، میزان درآمد مودیان، نرخ تورم و نرخ ارز توانسته بر رفاه اجتماعی موثر باشد.

چهارمین یافته پژوهش حاکی از این بود که عوامل فرهنگی به میزان 549/0 بر رفاه اجتماعی مردم شهر بجنورد تأثیر معنی‌داری داشته است. به عبارتی یک واحد تغییر در عوامل فرهنگی که شامل پذیرش فناوری و تکنولوژی، اعتماد به ممیزان مالیاتی، ضمانت‌نامه‌های اجرایی و تکریم ارباب رجوع و همچنین احساس نگرش مثبت نسبت به شغل و تناسب محیط شغلی با شاغل می‌باشد، توانسته به میزان 549/0 باعث ارتقا و بهبود عوامل فرهنگی شوند. میزان میانگین و انحراف استاندارد عوامل فرهنگی (970/3±79/14) نشان از مطلوبیت نسبتاً خوب این عوامل از دیدگاه مودیات مالیاتی در اداره مالیات شهر بجنورد داشت.

در بررسی پنجمین یافته پژوهش گفته می‌شود که عوامل قانونی به میزان 429/0 توانسته بر رفاه اجتماعی موثر باشد. میزان میانگین و انحراف استاندارد عوامل قانونی به میزان (572/3±34/13) نشان از مطلوبیت نسبتاً خوب این عوامل در اداره مالیات شهر بجنورد داشت. عوامل قانونی در مطالعه حاضر به عواملی چون شفافیت در ارائه اطلاعات مالی از سوی مودیان، تسلیم اظهارنامه‌های مالیاتی، اعطای تسهیلات تبعیضانه به گروهی از فعالان اقتصادی و مودیانی که مالیات خود را به موقع پرداخت می‌کنند و همچنین جلوگیری از خروج بدهکاران مالیاتی پرداخته است.

آخرین یافته پژوهش نشان داد که عوامل اخلاقی مودیان مالیاتی بر رفاه اجتماعی به میزان 444/0 تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است. عوامل اخلاقی شامل عواملی چون انضباط کاری ممیزان مالیاتی، صداقت و امانتداری ممیزان، مسئولیت پذیری‌ آن‌ها و اعتماد به ممیزان و اداره مالیات شهر بجنورد بودند که تغییر در هر یک از این عوامل توانسته به میزان 444/0 باعث بهبود رفاه اجتماعی در شهر بجنورد شود. میزان میانگین و انحراف استاندارد عوامل اخلاقی به میزان (733/4±50/14) نشان از مطلوبیت متوسط این عوامل در اداره مالیات شهر بجنورد داشته است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد تقویت و بهبود عوامل موثر بر تمکین مالیاتی می‌تواند به ثبات و تمکین هر چه بیشتر مودیان مالیاتی و به تبع آن افزایش سطح رفاه اجتماعی مردم در سطح شهر بجنورد منجر گردد. در این صورت توزیع ثروت در جامعه از طریق مالیات بر درآمدهای بالا، ارائه خدمات رفاهی برای درآمدهای پایین و اجرای برنامه‌های رفاه اجتماعی از طریق وضع مالیات برای افراد با درآمد بالا می‌تواند به اجرای برنامه‌های رفاه اجتماعی کمک کرده و از این طریق سطح رفاه اجتماعی در شهر بجنورد ارتقا یابد.

**مراجع**

1. اسدا... زاده بالی، میررستم**. (1393). اثربخشی مالیات بر نابرابری و توزیع درآمد در ایران، فصلنامه مالیات**، دوره جدید، شماره اول (مسلسل 49)، 73-92.
2. تاجیک، امیرحسین. (1392) **بررسی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر تمکین مالیاتی مودیان اداره کل امور مالیاتی جنوب استان تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، 3-4
3. خطیری علیائی، علی. (1392). **بررسی عوامل موثر برتمکین مالیاتی مودیان برپایه مالیات بر ارزش افزوده شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، 7
4. راستی، هادی و راضیه جهان‌تیغ. (1393). **سنجش میزان رفاه اجتماعی خانوارها در نواحی روستایی مطالعه موردی: شهرستان زهک**، پژوهش‌های روستایی، دوره 5، شماره 4، 759-778
5. زنگنه، احسان. (1389). **بررسی روابط متقابل اجتماعی بر سطح تمکین مودیان مالیاتی (مطالعه موردی: استان اصفهان)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
6. زهی، نقی و شهرزاد محمدخانی. (1389). **بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)،** پژوهشنامه مالیات، شماره 9، 25-59.
7. صالحی، رامین. (1396). **تأثیر عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی از دیدگاه مودیان حقوقی شهرستان کاشان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، 4-5.
8. صامتی، مجید، امیری، هادی و سعیده ایزدی. (1394). **تأثیر نرخ‌های بهینه مالیات غیرمستقیم بر رفاه اجتماعی در ایران**، فصنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال 15، شماره 4، 51-73
9. طالب‌نیا، قدرت الله و علی شیخ حسنی. (1386). **بررسی مقایسه‌ای قانون مالیات‌های مستقیم با قانون پیشین در بخش‌های مشاغل مستغلات و حقوق کارکنان**، حسابرس، سال دهم، شماره 36، 82-92
10. عمرانی، محمد، فرج‌زاده، زکریا و مجید ده‌مرده. (1388). **عامل‌های تعیین کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان**، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد اول، شماره 2، 21-42
11. عینالی، جمشید و مهدی طاهرخانی. (1384). **ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی در رفاه و توسعه روستایی (شهرستان خدابنده)**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره 9، شماره 4، 55-73
12. قاسمی اردهایی، علی. (1387). **بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی**، فصلنامه روستا و توسعه، سال 11، شماره 2، 1-20.
13. لاری دشت بیاض، محمود و همکاران. (1393). **بررسی رفتار اخلاقی مودیان بزرگ مالیاتی از دیدگاه اخلاقی پست مدرن**، پژوهشنامه مالیات، شماره 24 (مسلسل 72)، 9-35.
14. مجتهد، احمد، احمدیان. (1386). اعظم، **اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران**، ویژه نامه اقتصادی، دوره 7، شماره 1، 45-71
15. مدنی، سعید و حسن رفیعی. (1381). **نظرسنجی از مدیران و کارشناسان منتخب درباره نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی کشور**، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
16. منجذب، محمدرضا و پارسا سليماني. (1384). **برآورد ظرفيت مالياتي استان مازندران**، پژوهشنامه اقتصادي، دوره 5، شماره 3(پیاپی 18)، 139-162
17. موسی خانی، غلامرضا. (1378). **تجزیه و تحلیل رفاه اجتماعی در ایران و اثرپذیری آن از نابرابری درآمدی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشگاه شیراز
18. مولایی‌پور، منصور. (1393). **تمکین مالیاتی در برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران**، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره 22، شماره 72، 173-196
19. مومنی، عبدا.... (1383). **بررسی رابطه بین نگرش به عدالت اجتماعی و نگرش به رفاه اجتماعی**، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران
20. هادیان، ابراهیم و علی تحویلی. (1391). **شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران**، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی بودجه، شماره 2، 39-58
21. Bame- Aldred C.W., Cullen J.B., Martin K. D., and Parboteeah K. P., **National culture and firm-level tax evasion**, Journal of Business Research, 66. 390-396, 2013.
22. Berhane G., HoddinottJ., KumarN., Seyoum TaffesseA., Tedia DiressieM., YohannesY., R., and et al., **Evaluation of Ethiopia’s Food Security Program: Documenting Progress in the Implementation of the Productive Safety Nets Programme and the Household Asset Building Programme**, Mimeo, International Food Policy Research Institute, Washington, 2011.
23. Brown R.E, Mazur M.J., **IRSs Comprehensive Approach to Compliance**, National tax journal, Vol.56, No. 3. 2003.
24. Carolina V. SimanjuntakT.H., **Pengaruh Tax Knowledge dan Persepsi Tax Fairness terhadap Tax Compliance Wajib Pajak Badan yang Terdaftar di KPP Madya Bandung**, Prosiding Seminar Nasional Problematika Hukum dalam Implementasi Bisnis dan Investasi (Perspektif Multidisipliner), 2011.
25. Fischer CM, and Wartick M, and Mark M., **Detection Probability and TaxPayer Compliance: A Review of the Literature**, Journal of Accounting Literature, Vol. 11, pp: 1-46, 1992.
26. Freise A., Link, S., Mayer S., **Taxation and corporate governance – The state of the art. In:Schön, W. (Ed.),** Tax and Corporate Governance, Springer-Verlag, Berlin Heidelberg, 2008.
27. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD), **Tax Compliance and Tax Accounting Systems**, Forum on Tax Administration, Compliance sub-Group. http://www.oecd.org/tax/administration/45045662.pdf, 2010.
28. Saez E., Stantcheva S., **Generalized Social Marginal Welfare Weights for Optimal Tax Theory**, UC Berkeley and NBER, AEA meetings, 2013.

1. . Organisation for Economic Co-operation and Development [↑](#footnote-ref-1)
2. . Berhane et al. [↑](#footnote-ref-2)
3. . Fischer et al. [↑](#footnote-ref-3)
4. . Saez & Stefanie [↑](#footnote-ref-4)